

واکاوی ارتباطات غیر کلامی در دو اثر "سلام بر حیدر بابا" و "سهندیه" شهریار

یوسف حسینی اعظمی^۱، جواد علیپور^۲، محمد عباس زاده^۳، مهران صمدی^۴

۱. گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲. گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

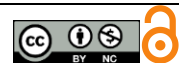
۳. گروه جامعه شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: javadalipur@gmail.com

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش بنیادین ارتباطات غیر کلامی در شکل گیری تعاملات انسانی می پردازد و به طور خاص بازتاب آن را در دو اثر مهم ترکی استاد شهریار مورد توجه قرار می دهد. اگرچه زبان گفتاری و نوشتاری ابزار اصلی انتقال معنا محسوب می شوند، اما یافته های پژوهشی نشان می دهد که نشانه های غیر کلامی همچون حرکات بدن، حالات چهره، تماس چشمی، لحن صدا و حتی سکوت، بخش عمده ای از پیام های ارتباطی را منتقل می کنند. این مطالعه با رویکرد توصیفی - تحلیلی و نگاهی میان رشته ای در حوزه علوم ارتباطات، دو اثر شاخص استاد شهریار، یعنی حیدر بابایه سلام و سهندیه را بررسی می کند. تحلیل و رمزگشایی رفتارهای غیر کلامی در این آثار نشان می دهد که متون ادبی می توانند منبعی غنی برای شناخت ابعاد فرهنگی و ارتباطی فراتر از زبان گفتاری باشند. همچنین در حوزه های مختلفی از جمله ارتباطات میان فرهنگی نیز اهمیت فراوان دارد. در بین ارتباطات غیر کلامی منظومه حیدر بابا بیشتر بر وضعیت رفتار، ظاهر فیزیکی، لحن گفتار، فاصله و حرکات صورت و نگاه و در منظومه سهندیه وضعیت رفتاری، ظاهر فیزیکی و شرایط محیطی بیشتر نمود داشته است. این در حالی است که شاعر در منظومه حیدر بابا بیشتر از منظومه سهندیه از ارتباطات غیر کلامی بهره برده است.

کلیدواژگان: ارتباطات غیر کلامی، استاد شهریار، حیدر بابایه سلام، سهندیه، ارتباطات میان فرهنگی



شبهه استناددهی: حسینی اعظمی، یوسف، علی پور، جواد، عباس زاده، محمد، صمدی، مهران. (۱۴۰۴). واکاوی ارتباطات غیر کلامی در دو اثر "سلام بر حیدر بابا" و "سهندیه" شهریار. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۳(۴)، ۲۱-۱.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۸ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۷ آذر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴ آذر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۲۴ آذر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱۰ دی ۱۴۰۴

The Treasury of Persian Language and Literature

Analysis of Nonverbal Communication in Shahriar's Salam Bar Heydar Baba and Sahandīyeh

Yousef Hosni Azami¹, Javad Alipur^{2*}, Mohammad Abbaszadeh³, Mehran Samadi¹

1. Department of Social Communication Sciences, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran

2. Department of Political Science, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

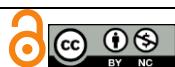
3. Department of Sociology, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

*Corresponding Author's Email: javadalipur@gmail.com

Abstract

This study examines the fundamental role of nonverbal communication in shaping human interactions and, more specifically, explores its reflection in two major Azerbaijani-Turkish works by Master Shahriar. Although spoken and written language are considered the primary tools for conveying meaning, research findings indicate that nonverbal cues—such as body movements, facial expressions, eye contact, tone of voice, and even silence—convey a substantial portion of communicative messages. Using a descriptive-analytical approach and an interdisciplinary perspective within the field of communication studies, this research analyzes two of Shahriar's prominent works, Heydar Babaya Salam and Sahandīyeh. The analysis and decoding of nonverbal behaviors in these texts reveal that literary works can serve as rich sources for understanding cultural and communicative dimensions that extend beyond verbal language. They also hold significant value in various areas, including intercultural communication. Among the forms of nonverbal communication, Heydar Babaya Salam features a greater emphasis on behavioral stance, physical appearance, vocal tone, interpersonal distance, facial movements, and gaze, whereas Sahandīyeh displays a stronger presence of behavioral stance, physical appearance, and environmental conditions. Notably, the poet employs nonverbal communication more extensively in Heydar Babaya Salam than in Sahandīyeh.

Keywords: *nonverbal communication, Master Shahriar, Heydar Babaya Salam, Sahandīyeh, intercultural communication*



How to cite: Hosni Azami, Y., Alipur, J., Abbaszadeh, M., & Samadi, M. (2025). Analysis of Nonverbal Communication in Shahriar's Salam Bar Heydar Baba and Sahandīyeh. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 3(4), 1-21.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 19 August 2025

Revise Date: 28 November 2025

Accept Date: 05 December 2025

Initial Publish: 15 December 2025

Final Publish: 31 December 2025

مقدمه

در زندگی روزمره ما به طور مرتب پیام‌های ارتباطی می‌فرستیم. این پیام‌ها درکنش‌های متقابل انسانی می‌توانند بسیار مهم‌تر از اعتباری باشند که ما برای آنها قائل ایم. زبان گفتاری، نشانه‌ای از هوشیاری انسان است. به همین ترتیب ارتباط غیرکلامی نیز شامل حرکت‌ها و اشاره‌های ارادی می‌شود، ضمن اینکه حرکت‌های غیرارادی مانند تغییر در اندازه مردمک را نیز دربرمی‌گیرد؛ علائمی که به آنها، علائم خودکار می‌گویند و حرکت‌هایی که فقط تا حدودی زیرنظارت ارادی ما هستند. مانند آنچه چهره، میزان صدا و فاصله فیزیکی دیگران به ما می‌گوید، وجود فاصله بین فرستنده و گیرنده، خود نوعی پیام است (1).

ارتباط غیرکلامی به ویژه برای پیام‌های عاطفی که در آن احساسات، نگرش و نیت فرستنده‌ها مشخص می‌شود، اهمیت دارد. ناگل و لوینگا (۲۰۱۵) به عنوان مثال، اهمیت لبخند یا در آغوش گرفتن صرف را زمانی که به راحتی نیاز است، نشان می‌دهند. حتی اگر افراد یکدیگر را نبینند، لحن صدای آنها می‌تواند نشان دهنده همدردی، همدلی یا ناآگاهی باشد (2).

یکی از زیبایی‌های ادبیات و مخصوصاً شعر این است که خالق آن اثر، با به کارگیری خلاقیت، توجه به جنبه‌های زیباشناختی و دقت نظر به آفرینش دست می‌زند. طبع لطیف نویسنده یا شاعر با در هم آمیختن همه احساسات در قالب کلام دست می‌زند و در کنار آن به تزیینات غیر کلامی نیز اقدام می‌کند. همانا مخاطب با درک مفاهیم غیر کلامی به درک توامان کلامی و غیر کلامی درست می‌زند.

ارتباطات کلامی انتقال اطلاعات بین یک شخص با شخص دیگر یا یک اثر مکتوب و یا یک اثر هنری آفریده شده می‌باشد اما در ساده‌ترین شکل می‌توان ارتباطات غیرکلامی را به چند مقوله زیبا شناختی، ارتباطات فیزیکی، علائم و نشانه‌ها و نمادها و سمبل‌ها

تقسیم کرد. در این تحقیق ما ضمن مطالعه دسته بندی‌های مختلف ارتباطات، بیشتر به دنبال مقوله زیبا شناختی آن خواهیم بود. این جنبه‌های زیباشناختی در لابلای اشعار منظومه ترکی و حیدر بابایه سلام شهریار نهفته اند و در این مقاله همواره به دنبال مطالعه آن‌ها خواهیم بود. در این پژوهش کلیه جنبه‌های ارتباط خلاقانه و هنرمندانه استفاده شده در اشعار ترکی شهریار را مطالعه می‌کنیم. شنیدن صدای موسیقی، دیدن، رقص، زیبایی به تصویر کشیده شده از طبیعت و یا رفتار افراد، و ... را بررسی کرده و یک جمع بندی ارایه خواهیم داد.

درواقع پیام‌هایی که با استفاده از کلمه‌ها و جمله‌ها فرستاده می‌شوند، معمولاً با نظم سرشار از علائم غیرکلامی همراه هستند که پیام کلامی را حمایت، اصلاح و یا حتی عوض می‌کنند. اون هارجی^۱ معتقد است که در ارتباطات میان فردی معمولی، یک سوم معانی اجتماعی از طریق مؤلفه‌های کلامی و دو سوم باقیمانده از طریق کانال‌های غیرکلامی انتقال می‌یابد. بیردوسل^۲ نیز مشخص کرده است که تنها ۳۵ درصد معنی در یک وضعیت خاص با کلام منتقل می‌شود و ۶۵ درصد باقیمانده آن در زمره غیرکلامی است (3).

البته دانشمندان دیگری نیز مانند «آلبرت مهربیان» سهم ارتباطات غیرکلامی را بیش از این می‌دانند و حتی معتقدند ۹۳ درصد انتقال معانی در جریان ارتباط از طریق رفتارهای غیرکلامی صورت می‌گیرد (4). با این حال تاکنون نسبت پژوهش‌هایی که در زمینه ارتباطات غیرکلامی انجام شده به مراتب پایین‌تر از پژوهش‌های مشابه در زمینه کلام بوده است.

سید محمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار شاعر ایرانی در سال ۱۲۸۵ شمسی به دنیا آمد. وی به زبان‌های فارسی و ترکی آذربایجانی، شعر سروده است. او پس از آشنایی با دیوان حافظ با شعر و ادبیات آشنا شد. شهریار روح بسیار حساسی داشت و با

1 - Owen Hargie

2 - Bier Dwhistell

اشعار خود گویا سنگ صبور غمهای نوع انسان است. اشعار وی تجلی دردهای بشری است. او همچنین مقوله عشق را در اشعار خویش نابتر از هر شعری عرضه داشته است. اشعارش متنوع و در بردارنده انواع شعر و قالب‌های گوناگون است و تا به حال به صورت‌های مختلف منتشر شده است نخستین دفتر شعر او در سال ۱۳۰۸ شمسی انتشار یافت. برخی عناوین اشعار شهیار عبارتند از: حیدربابایا سلام (به زبان ترکی)، سهندیه (به زبان ترکی)، علی‌ای همای رحمت، علی و شب و دو مرغ بهشتی.

ادبیات، به‌ویژه رسانه شعر، بستری غنی برای بازنمایی و انتقال مفاهیم انسانی است؛ چرا که شاعر در کنار بهره‌گیری از واژگان و ساختارهای زبانی، از نشانه‌ها، تصاویر و عناصر غیرکلامی نیز برای برانگیختن احساسات و انتقال پیام‌های خود بهره می‌برد. استاد محمدحسین بهجت تبریزی (شهیار)، یکی از برجسته‌ترین شاعران معاصر ایران و از چهره‌های شاخص شعر ترکی آذری، با بهره‌گیری هنرمندانه از زبان، تصویرپردازی و عناصر فرهنگی و بومی، توانسته است جایگاهی ویژه در میان مخاطبان خود بیابد. با این حال، در تحلیل آثار او اغلب بر جنبه‌های زبانی، موسیقایی یا محتوایی اشعار تأکید شده و نقش ارتباطات غیرکلامی - که در قالب توصیف حرکات، حالات، سکوت‌ها، و استعاره‌های بدنی و عاطفی بازتاب می‌یابند - کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که مطالعه دقیق نشانه‌های غیرکلامی در اشعار شهیار می‌تواند دریچه‌ای نو برای فهم عمیق‌تر اندیشه‌ها، عواطف و پیام‌های اجتماعی و فرهنگی نهفته در آثار او بگشاید.

هرچند ارتباطات غیر کلامی در آثار شاعران پیشین همچون حافظ مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما از دیدگاه نظری این تحقیق می‌تواند بحثی تازه را در جامعه شناسی ادبیات ترکی و نیز جامعه شناسی ارتباطات مطرح کرده و روزه‌های متفاوتی به ادبیات منظوم ایران باز کند. بنابراین سوال اصلی تحقیق حاضر عبارت

است از: «ارتباطات غیر کلامی در منظومه حیدربابا» و «سهندیه» شهیار چگونه نمود یافته است؟»

ادبیات پژوهش

تعاریف

ارتباطات به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین فرایندهای انسانی، همواره در کانون توجه علوم اجتماعی، زبان‌شناسی، روان‌شناسی و مطالعات فرهنگی قرار داشته است. در تعریف کلی، ارتباطات فرایندی پویا، دوسویه و هدفمند است که از طریق آن انسان‌ها با بهره‌گیری از علائم، نشانه‌ها و پیام‌ها به تبادل معنا، انتقال اندیشه، ایجاد تعامل و درک متقابل می‌پردازند. برخی نظریه‌پردازان ارتباطات را «فرآیند انتقال معنا از فرستنده به گیرنده از طریق کانال‌های مختلف» دانسته‌اند، در حالی که گروهی دیگر بر ماهیت تفسیری و تعاملی آن تأکید کرده‌اند؛ به این معنا که ارتباط صرفاً انتقال پیام نیست، بلکه برساخت مشترک معنا میان افراد است. محسنیان راد در کتاب ارتباط‌شناسی در تعریف ارتباط می‌نویسد: ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده مشروط بر آنکه در گیرنده پیام، مشابهت معنی با معنی مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود (5).

ارتباط کلامی برای انتقال ایده‌ها اهمیت بیشتری دارد. ارتباط کلامی همچنین برای تسهیل همکاری انسانی، به ما امکان می‌دهد تا فرضیات، مقاصد و قراردادهای ارتباطی را به اشتراک بگذاریم و از این طریق رفتار اجتماعی و روابط انسانی را تنظیم کنیم. مهم است در کنار ارتباطات کلامی که مبتنی بر زبان گفتاری و نوشتاری است، بخش قابل‌توجهی از تعاملات انسانی در قالب ارتباطات غیرکلامی تحقق می‌یابد. ارتباطات غیرکلامی به مجموعه رفتارها، نشانه‌ها و علائمی اطلاق می‌شود که بدون استفاده مستقیم از کلمات، حامل معنا و پیام هستند. این نوع ارتباطات شامل طیف وسیعی از عناصر همچون حرکات بدن (زبان بدن)، حالات و تغییرات چهره، تماس چشمی، لحن و آهنگ صدا، فاصله‌گذاری

فیزیکی میان افراد، لمس، سکوت و حتی نشانه‌های محیطی می‌شود (2).

اهمیت ارتباطات غیرکلامی از آن جهت است که این شکل از ارتباط نه تنها مکمل و تأییدکننده پیام‌های کلامی است، بلکه در بسیاری موارد نقش جایگزین و حتی پررنگ‌تر از زبان گفتاری را ایفا می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که درصد قابل توجهی از پیام‌های انسانی در تعاملات روزمره از طریق نشانه‌های غیرکلامی منتقل می‌شود. به علاوه، ارتباطات غیرکلامی نقشی اساسی در انتقال هیجانات، ابراز هویت فردی و فرهنگی، برقراری اعتماد و تنظیم مناسبات اجتماعی دارد. «ارتباطات غیر کلامی به دامنه وسیعی از پدیده‌ها اطلاق می‌شود که حوزه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. از بیان چهره‌ای و اشاره اندامی تا مد و نمادهای وضعیتی از رقص و نمایش تا موسیقی و لال بازی، از جریان تاثیرانگیز تا جریان ترافیک از حیطة قلمرو جویی حیوانات تا عهدنامه‌های سیاسی از ادراک فراحسی تا رایانه‌های قیاسی و از بلاغت مرتبط با خشونت تا بلاغت مربوط به پایکوبی‌های نخستین» (6).

بنابراین، درک درست از ماهیت و کارکرد ارتباطات غیرکلامی برای تحلیل تعاملات انسانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بررسی این حوزه به ما کمک می‌کند تا ابعاد پنهان ارتباطات را که در ورای واژگان جریان دارند، بهتر بشناسیم و از آن‌ها در حوزه‌های گوناگون همچون آموزش، مدیریت، مشاوره، روابط میان فرهنگی و حتی تحلیل متون ادبی و هنری بهره‌مند شویم.

ارتباطات غیر کلامی در زندگی روزمره

علی اکبر فرهنگی در کتاب ارتباطات انسانی بحث مفصلی درباره ارتباطات غیر کلامی دارد. وی از جمله به هنر بی نظیر چارلی چاپلین اشاره دارد که تمام عواطف و هیجانات آدمی را بدون کلام به مخاطب القا می‌کند. شرم، غضب، عشق، ترس، ترحم و هر آنچه را که هر انسانی در ارتباط خود با دیگری از خود بروز می‌دهد.

وی سپس به دو تن از پیشتاژان و پیشروان مطالعات غیر کلامی اشاره می‌کند. از جمله بیردویسل اعتقاد دارد که تنها ۳۵ درصد از معنی در یک وضعیت خاص با کلام به دیگری منتقل می‌شود و ۶۵ درصد باقیمانده در زمره ارتباطات غیر کلامی است. پیشگام دیگری که در عرصه تحقیقات ارتباطات غیرکلامی نامی بلند آوازه دارد، آلبرت محرابیان است که پیام‌های فرستاده شده در یک ارتباط بین فردی را تجزیه و تحلیل کرده و دریافته است که فقط ۷ درصد از معنی، با پیام‌های کلامی به مخاطب منتقل می‌شود و ۹۳ درصد از پیام‌ها به گونه‌ای غیر کلامی فرستاده می‌شود. از این ۹۳ درصد، ۳۷ درصد با نشانه‌های آوایی یعنی دهن و ۵۵ درصد با نشانه‌های چهره‌ای است (7).

بسیاری بر این باورند که همواره ارتباطات غیر کلامی بر ارتباطات کلامی از نظر صحت ارجحیت دارد. چراکه علامات غیر کلامی از درون انسان نشأت گرفته و اغلب نمی‌توان آن‌ها را کنترل کرد. این در واقع همان زبان عمل است. عموماً باید گفت اکثر انسانها از مهار کردن هیجانات خود عاجزند. از این رو می‌توان گفت: آگاهی با زبان عمل در کشف بسیاری از زوایای درونی دیگران به ما یاری می‌دهد.

بیردویسل در سال ۱۹۵۲ برای اولین بار واژه مطالعه ارتباطات از طریق جنبش و حرکت یا حرکات اعضاء بدن را به عالم ارتباطات معرفی کرد. حرکات اعضای بدن در یک مفهوم کلی به کار برده می‌شود و شامل حرکات سر و صورت نیز هست. بیردویسل تخمین زده است که بیش از ۷۰۰ هزار علامت فیزیکی ممکن وجود دارد که از طریق حرکات اعضای بدن می‌توان به آنها دسترسی پیدا کرد و مفاهیمی را به دیگران انتقال داد. حرکات چهره، تماس چشمی، حرکات اندام‌ها، اشارات و حرکات دست‌ها، وضعیت ظاهر و استفاده از اشیاء، بلندی یا شدت صدا، زبان اشیاء که در این بخش به شکل مبسوطی توضیح داده شده است، از زیرمجموعه‌های

ارتباطات غیر کلامی است که به طور کلی به سه طریق عمل می‌کنند:

۱. جایگزین پیام‌های کلامی می‌شوند.
 ۲. پیام‌های کلامی را تقویت می‌کنند.
 ۳. در جهت خلاف و رد پیام‌های کلامی عمل می‌کنند (8).
- همانگونه که گفته شد، ارتباط غیر کلامی بسیار قابل اعتمادتر از ارتباط کلامی است. چراکه در ارتباط کلامی می‌توان دروغ گفت یا چیزی را از مخاطب پنهان کرد. اما در ارتباط غیر کلامی این کار تقریباً غیر ممکن است. در ارتباط کلامی سکوت شاید معنای خاصی نداشته باشد. اما در ارتباط غیر کلامی حتی سکوت نیز می‌تواند معنای خاص خود را داشته باشد. درباره انواع رفتارهای حرکتی و نشانه‌های غیر کلامی از جمله می‌توان به حالات چهره، حرکت‌های بدن، ژست‌ها و حرکت‌های تنظیم مکالمه و لحن اشاره کرد.

برخی از نشانه‌های غیر کلامی عبارتند از: حالات چهره، وضع ظاهری، عوامل صوتی یا فرازبان، عوامل بویایی، فاصله فیزیکی، شرایط محیطی، زمان و مکان اشاره و حرکت‌های دست، الگوهای بین فردی، ارتباط تماسی یا لامسه ای .

مجموعاً آرژیل (۱۹۷۲) معتقد است که ده مشخصه ذیل توصیف کننده مسئله فرازبان هستند:

- ۱- تماس بدنی^۱
- ۲- میزان فاصله^۲
- ۳- حالت بدن^۳
- ۴- ظاهر فیزیکی^۴
- ۵- حرکات صورت و نگاه^۵
- ۶- مسیر دید یا نگاه^۶

۷- مدت و زمان بندی صحبت^۷

۸- حالت عاطفی گفتار^۸

۹- خطاهای گفتار^۹

۱۰- لهجه^{۱۰}

کاربرد نشانه‌ها و و علائم ارتباط غیر کلامی در سطح وسیعی در زندگی روزمره مردم و نهادها در جریان است. بعضی از سازمان‌ها معمولاً مجموعه‌ای از نشانه‌های خاص استفاده می‌کنند. به عنوان نمونه اشارات سر از قبیل: حرکت سر به طرف پایین به نشانه پاسخ مثبت و حرکت سر به طرف بالا به نشانه پاسخ منفی یا حرکت مداوم و آرام سر به بالا و پایین به معنی درک کردن موضوع یا کج کردن سر به نشانه غم، اندوه، پشیمانی و شرمساری، خاراندن سر یا گوش به نشانه تفکر یا محاسبه، حرکت سر به طرف پایین به نشانه سلام کردن است؛ یا اینکه بالا انداختن شانه‌ها به نشانه اظهار بی‌اطلاعی و بی‌اعتنایی به موضوع از نشانه‌ها و علائم ارتباطات غیر کلامی است که در ادبیات ایران نیز جایگاه خاص خود را دارد.

ارتباطات غیر کلامی در ادبیات

ارتباطات غیر کلامی در ادبیات نقش مهمی در انتقال پیام، شخصیت‌پردازی و ایجاد فضا سازی دارد و نویسندگان از این عناصر برای تکمیل ارتباطات کلامی و رمزگشایی پیام‌های عمیق‌تر استفاده می‌کنند، به طوری که خواننده می‌تواند با رمزگشایی این نشانه‌ها، پیام‌ها و معانی پنهان متن را درک کند. ارتباط غیر کلامی در ادبیات نقش‌ها و کارکردهای مختلفی دارد. یکی از این نقش‌ها انتقال معنا و پیام است. نویسندگان از طریق توصیف حرکات، حالات چهره، و سایر نشانه‌های غیر کلامی، مفاهیم و احساساتی را به خواننده منتقل می‌کنند که شاید با کلام به تنهایی امکان‌پذیر نباشد. زبان بدن و حالات چهره شخصیت‌ها، بخشی از هویت و

⁶ - Direction of gaze

⁷ - Time of speech

⁸ - Emotional tone of speech

⁹ - speech errors

¹⁰ - Accent

¹ - Body contact

² - Proximity

³ - Posture

⁴ - Physical appearance

⁵ - facial & gesture movement

ویژگی‌های روانی آنها را آشکار می‌کند و از این طریق به شخصیت پردازی کمک می‌کند. ارتباط غیرکلامی می‌تواند نقش تأکید کننده یا حتی تکذیب کننده داشته باشد و پیام کلامی را تقویت کند یا در تضاد با آن قرار دهد (9).

یکی دیگر از کارکردهای ارتباط غیر کلامی در ادبیات افزایش واقع گرایی است. توصیف جزئیات غیرکلامی به خلق فضایی واقعی‌تر در متن کمک می‌کند و به خواننده اجازه می‌دهد تا موقعیت و فضای داستان را بهتر درک کند (10). عناصر غیرکلامی مانند پوشش، زمان و مکان نیز در ایجاد جو و اتمسفر متن مؤثر هستند

و به عمق‌بخشی به اثر ادبی کمک می‌کنند و از این طریق به ایجاد فضا سازی کمک می‌کنند (5). رمز گشایی پیام‌های پنهان نیز یکی دیگر از کارکردهای ارتباطات غیر کلامی است. خوانندگان از این طریق می‌توانند پیام‌های عمیق‌تر و پنهان نویسنده را با رمزگشایی نشانه‌های غیرکلامی موجود در متن کشف کنند (11).

مصادقات‌های ارتباطات غیر کلامی

در جدول زیر برخی از مصادقات‌های ارتباطات غیر کلامی برگرفته از منابع مختلف به تفکیک ذکر شده است.

جدول ۱. برخی از مصادقات‌های ارتباطات غیر کلامی برگرفته از منابع مختلف

ردیف	مصادقات‌ها	توضیحات
۱	حرکت اندام‌ها	هر حرکت یا تغییر در اندام دربرگیرنده پیام خاص و عناصر غیر کلامی ویژه است. زبان بدن حتی در حالت توقف و بی‌حرکتی نیز حاوی پیام ویژه است (6). رفتارهای غیر کلامی و نشانه‌های آوایی، قبل از هر چیز پیام را به مخاطب ابلاغ می‌کند. تغییر یا حرکت اندام‌های بدن از قبیل رفتار ابرو و چشم، حرکت سر، دست، پا و انگشتان، در جهت تقویت پیام کلام ارزیابی می‌شود (12)
۲	رفتارهای چهره	«چشم‌ها در ابلاغ غیر کلامی بسیاری از نگرش‌ها و هیجانات میان فردی نقش مرکزی ایفا می‌کنند.» (13) سعدی نیز در غزل ۳۰۹ (گنجور، دیوان اشعار. غزلیات) می‌فرماید: گر بگویم که مرا حال پریشانی نیست رنگ رخسار خبر می‌دهد از سر ضمیر
۳	خنده و گریه	خندیدن از فرهنگی به فرهنگ دیگر، معنای کاملاً متفاوتی دارد (14)
۴	لحن بیان	لحن فضا سازی در کلام است و نوع رفتار نویسنده با موضوع یا خواننده را نشان می‌دهد. لحن می‌تواند شاد، غمگین، جدی صمیمانه و ... باشد (15)
۵	وضع اندام؛ لباس و زبان اشیا	نمایش ارادی یا غیر ارادی کالاهای مادی که توسط انسان‌ها به کار گرفته می‌شود، مصنوعات شخصی نامیده می‌شود. جواهرات، عینک، کیف، کلاه، چمدان، عصا، شمشیر، نیزه و غیره به وسیله شخصی که از آن‌ها استفاده می‌کند، با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند (16).
۶	موسیقی، رقص	«اغلب موسیقی را ابزاری برای برانگیختن عواطف می‌دانند.» (15)
۷	زمان	هال می‌گوید: «زمان صریح‌تر از واژه‌ها صحبت می‌کند. زمان ارتباط زیادی برقرار می‌کند و آشکارا حرف می‌زند.» (17)
۸	فضا	«فضا شامل زمان و مکان است که وقتی با حرکت و وضع اندام در شرایط و شکل‌های گوناگون ادغام گردد، معانی مختلفی را در ارتباط غیر کلامی اجتماعی تداعی می‌کند.» هال (۱۹۵۹)

پیشینه‌های پژوهش

پژوهشگران مختلف ارتباطات غیر کلامی را در آثار منظوم و منثور مورد بررسی قرار داده اند. در ادامه مروری بر ادبیات پیشین در این زمینه می‌پردازیم.

شکوری و شکری (۱۴۰۱) با انجام یک تحقیق نشانه شناسی دریافتند که هفت پیکر نظامی بیشتر حرکات کلی بدن را مد نظر داشته است. مواردی مانند حالات آوایی، ظاهر فیزیکی، فضا و چهره. و حرکات سر نیز مد نظر آنها در این اثر بوده است (18). داس زرین و همکاران (۱۴۰۳) پژوهش نقش ارتباطات غیر کلامی را در غزلیات فارسی شهریار به روش تحلیلی- توصیفی انجام دادند. آنها در این تحقیق حالات چهره (خنده، گریه، حالت ابرو و پیشانی، ارتباط چشمی، حالت‌های لب و دهان و رنگ رخسار)، وضع ظاهری و حالت‌های بدن، شرایط محیطی، عوامل بویایی، اشارات و حرکات دست و پا و فاصله‌های ارتباطی را در غزلیات فارسی شهریار مورد بررسی قرار دادند (19).

گرجیان و همکاران (۱۴۰۱) نشانه‌های ارتباط غیر کلامی در مخزن الاسرار نظامی را به روش توصیفی-تحلیلی بررسی کرده اند. بر اساس نتایج این تحقیق نشانه‌های ارتباط غیر کلامی شامل حالت‌های صورت و چهره (گریه، خنده، خجالت، رنگ، رنگ چشم) فاصله و فضا، خوراک، اشیاء، لباس، نماد و نشانه، عطر و بو و وضع رفتار هستند (20).

قویدل (۱۴۰۰) در پژوهش «بررسی روابط غیر کلامی در قصه‌های مشهدی گلین خانم» نشان داد که ارتباط غیر کلامی ترکیبی از تمام سیستم‌های ارتباطی است و شامل حرکات و اشارات ارادی و غیرارادی می‌شود. این پژوهش تلاش می‌کند تا نوع روابط غیر کلامی و هدف از به کارگیری آن‌ها را در متن قصه‌ها مشخص نماید و احترام، عزت، استهزاء، ریشخند، به تصویر کشیدن فرهنگ و هنر معماری ایرانی و... را که در قالب انواع روابط غیر کلامی به تصویر کشیده شده‌است، تبیین و تشریح نماید، همچنین تصویر

پیام‌های گوناگون اخلاقی و فرهنگی را که ریشه در اسطوره‌ها و تاریخ کهن ایران دارد، متذکر شود (21).

افراخته و مدرسی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «روابط غیر کلامی در غزلیات شمس» که به روش توصیفی- تحلیلی انجام داده اند انواع رفتارهای غیر کلامی مانند حرکات و اشارات بدن، زمان، مکان، مصنوعات، پیرازبان، موسیقی، رفتارهای چهره و تماس‌های بدنی را مورد تحلیل قرار دادند. همچنین آنها دریافتند که ارتباطات غیر کلامی در غزلیات شمس تبریزی بیشتر جانشین ارتباطات کلامی شده ند (22).

طاهری فر (۱۳۹۹) در تحقیق بررسی نقش ارتباطات غیر کلامی در شخصیت پردازی آثار داستانی بزرگ علوی را انجام داد و تأثیر انواع ارتباطات غیر کلامی در آثار داستانی بزرگ علوی را بررسی کرد. نتیجه این تحقیق نشان از کاربرد این روش در جهت ترسیم ماهیت درونی شخصیت‌ها دارد (23).

تحقیق محسن نجفی (۱۳۹۷) که با هدف شناخت و معرفی آثار حماسی فارسی و به صورت توصیفی-تحلیلی گرفته است، به بررسی شش اثر منتخب منظوم حماسی فرامرزنامه، کوش‌نامه، بانوگشپ‌نامه، برزنامه، شهریارنامه و سام‌نامه از منظر ارتباطات غیر کلامی پرداخته شده، به گونه‌ای که انواع ارتباطات غیر کلامی به کار رفته در این آثار مشخص و دسته‌بندی گردند و مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. نخستین دستاورد این پژوهش نشانگر آن است که ارتباطات غیر کلامی در فرامرزنامه به دلیل بیان حماسی و وجود ویژگی‌های پهلوانی چون فراوانی صحنه-های نبرد و ابزار جنگی، از بسامد بالاتری برخوردار است (24).

قاسم زاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش تحلیل مفاهیم و کارکرد ارتباطات غیر کلامی در شاهنامه که به روش تحلیلی - توصیفی انجام داده اند دریافتند که شاهنامه فردوسی مفاهیم پوشیده فرهنگی را رمزگشایی می‌کند و بازنمایی زبان بدن شخصیت‌های شاهنامه

آگاهانه و با قصد جلب توجه مخاطب و بازشناسی هویت فرهنگی ایرانیان از رهگذر کنایه سازی و نماد سازی است (10).

پژوهش قبادی و زارع (۱۳۹۵) با موضوع ارتباطات غیر کلامی در شعر حافظ به مطالعه نقش ارتباطات غیر کلامی در تفسیر و پذیرش حافظ از سوی مخاطبان می‌پردازد. این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد عرفی انجام شده است. آنها در این مقاله به این نتیجه رسیدند که تمام جنبه‌های ماندگاری شعر حافظ در طول قرن‌های مختلف، در وجوه کلامی آن خلاصه نمی‌شود و دلایل غیرکلامی نیز در این ماندگاری نقش داشته اند. این مقاله تلاش میکند با تحلیل این اثر مهم از دیدگاه ارتباطات غیرکلامی، زیرکی و چیره دستی صاحب اثر را در برقراری ارتباط با مخاطب، فراتر از مرزهای کلام مورد تفسیر فرهنگی قرار دهد (25).

محمدی و عبدی (۱۳۹۵) با انجام پژوهشی با موضوع ارتباطات غیر کلامی در گلستان سعدی که به روش تحلیلی- توصیفی انجام داده اند مصادیق ارتباطات غیر کلامی را در گلستان سعدی را در هفت مبحث زبان بدن، رفتار چهره (گریه، خنده، نگاه، عصبانیت و زیبایی) صداها، نمادها و نشانه‌ها، طعم‌ها، عطر و بو و پیام‌های نوشتاری دسته بندی کرده‌اند (2).

پژوهش سید ابراهیم جعفری (۱۳۹۲) در پژوهش تحیل ارتباطات غیر کلامی در داستان سمک عیار نشان داد که در بعضی از موارد ممکن است عمل ارتباط غیرکلامی بین افراد مشترک باشد ولی با توجه به مرتبه‌ای که افراد دارند، نوع ارتباطشان فرق کند؛ مثلاً «برخاستن» پادشاه برای زیر دستان نوعی علامت و از زیردستان به پادشاه حالت نمایشی تاثیرگذار به حساب می‌آید (26).

پژوهش سید اسماعیل جعفری (۱۳۹۲) در پژوهش تحلیل ارتباطات غیر کلامی در تاریخ بیهقی نشان داد که بیهقی از مولفه‌ی غیرکلامی «زمان»، حدوداً ۱۱۶۵ بار که بیش‌ترین بسامد را داشته به منظور زمان مرگ شخصیت‌های بزرگ، لشکرکشی، مسافرت‌ها و... و از مولفه‌ی غیرکلامی «بساوایی» که کم‌ترین بسامد را داشته،

حدوداً ۲۶ بار و آن هم برای خشونت و درگیری، ابراز احساسات، علاقه، صمیمیت و... استفاده کرده است. درحالی‌که بسامد مولفه‌ی «ظاهر فیزیکی» بیش‌تر به منظور دلاوری و جنگجویی، مجلس ماتم و عزا، شعار، شیک‌پوشی و جذابیت، تکریم و بزرگداشت افراد و...؛ مولفه‌ی «اشاره و حرکت» به دلیل حمایت و طرفداری از شخص موردنظر، نفرت به علت تنزل مقام، نشان دادن قدرت و اُبّهت و...؛ مولفه‌ی «چهره و رفتار چشمی» به سبب تعجب و حیرت، علاقه و صمیمیت، نوعی بی‌احترامی، پاییدن و جاسوسی کردن و...؛ مولفه‌ی «رفتار آوایی» برای اضطراب و دلهرگی، خشم و عصبانیت، اعتراض، یاوه‌گویی و...؛ مولفه‌ی «فضا و بوم‌پایی (قلمروجویی)» به خاطر اظهار قدرت و منزلت فرد، انزجار و نفرت، ادعای مالکیت، عدم تجاوز و...؛ مولفه‌ی «محیط» برای مکان خطبه‌خوانی، مکان استراحت سپاه، مکان گفتگو با مردم و... مورد استفاده قرار گرفته است (27).

پژوهش زهرا جمشیدی (۱۳۹۱) در پژوهش بررسی تحلیلی رفتارهای غیر کلامی در آثار داستانی هوشنگ گلشیری نشان داد که کتاب‌های شازده احتجاب، کریستین وکید، آینه‌های دردور و دست تاریک، دست روشن جزو مهم ترین آثار گلشیری و از نمونه‌های شاخص داستان نویسی معاصرند که به شیوه‌ای ساختارشکنانه و مدرن نوشته شده اند. نویسنده برای تحقق تکنیک‌های ناب داستان نویسی خود و پیشبرد طرح و جریان این داستان‌ها، از عناصر متنوع ارتباط و رفتار غیرکلامی در سطحی بسیار گسترده و به صورتی بارز و تعیین کننده استفاده کرده است. رفتارهای غیر کلامی، به صورت‌های مختلفی با عناصر داستان مرتبطند؛ مثلاً ارتباطات آوایی در ایجاد لحن، مصنوعات و محیط در صحنه پردازی، رفتارها، اشارات و ایماها در شخصیت پردازی و شکل گیری تعلیق نقش دارند. دراین چهارداستان، عناصر مصنوعات و محیط بیش از سایر مقوله‌ها بسامد دارند و رفتارهای چهره، حرکات اندام و پیرازبان‌ها نیز در جایگاه‌های بعدی قرار

می‌گیرند. رفتارهای مذکور، به خصوص در شخصیت پردازی، فضا سازی و پردازش صحنه‌های داستان، نقش محوری دارند (28).

پژوهش غلامرضا آذری (۱۳۸۳) در پژوهش نشانه شناسی ارتباطات غیر کلامی در بین کم‌دین‌های سینمای کلاسیک نشان داد کم‌دین‌های سینمای صامت کلاسیک هالیوود در طول دوران بازیگری از طریق انتخاب صحیح حرکات، نشانه‌ها و رفتارهای غیرکلامی مزاح‌پرور و ارتباطات اثربخش بدنی موفق شدند میلیون‌ها مخاطب را به سالن‌های تاریک سینما بکشانند. به دیگر سخن، رفتارهای پرجنبشی این کم‌دین‌ها در بطن تصاویر سینمای صامت موجبات خلق احساسات و هیجانات مسرت‌بخش را در میان همگان یا عامه مردم پدید آورد و تأثیرات هنر ارتباط غیرکلامی آنها را جاودانه ساخت و بالاخره، به این حقیقت دست یافتیم که می‌توان از تمامی رفتارهای غیرکلامی آنها و درک نشانه‌شناسانه ان (الگو) گرفت و برترین آثار کمیک را خلق کرد (29).

با بررسی پژوهش‌های مختلف مشخص شد که هر کدام از آنها بر جنبه‌های خاصی از ارتباطات غیر کلامی تأکید دارند. مثلاً طاهری (۱۳۹۹) بر تأثیر ارتباطات غیر کلامی در معرفی ماهیت دورنی شخصیت‌ها تأکید دارد. نجفی (۱۳۹۷) بر بسامد بیشتر ارتباطات غیر کلامی در یکی از آثار مثنوی اشاره می‌کند. جعفری (۱۳۹۲) بیشتر بر بسامدهای زمانی تأکید دارد. جمشیدی (۱۳۹۱) به استفاده از ارتباطات غیر کلامی در داستان نویسی معاصر و شیوه‌های ساختار شکنانه می‌پردازد. آذری (۱۳۸۳) به استفاده از ارتباطات غیر کلامی در سینمای صامت کلاسیک هالیوودی پرداخته است؛ اما بررسی‌های مختلف نشان داد که در اغلب پژوهش‌ها سعی بر آن بوده که بر جنبه‌های متعارف ارتباطات غیر کلامی نظیر ظاهر فیزیکی، حالات آوایی، حرکات چهره، فاصله ارتباطی، شرایط محیطی، پیرازبان، موسیقی، کنایه سازی و نماد سازی، پیام‌های

نوشتاری، لحن بیان، مصنوعات تمرکز شود. بر این اساس در مقاله حاضر نیز نشانه‌های غیر کلامی در منظومه حیدربابای شهریار را به شیوه پژوهشگران پیشین شناسایی کنیم. آنچه پژوهش حاضر را از پژوهش‌های دیگر متمایز می‌کند آنست که منظومه حیدربابا که یک منظومه ترکی است با روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد عرفی مورد مطالعه قرار گرفته است. اغلب پژوهش‌های انجام شده در این زمینه با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده اند.

در زمینه ارتباط پژوهش‌های مورد بررسی با آثار استاد شهریار باید ذکر کرد که در اشعار ترکی شهریار نشانه‌های ارتباطات غیرکلامی به وفور یافت می‌شود. نمونه‌هایی از فرآیند ارتباطی که خود شامل زبان و فرازبان است و هریک زیر مجموعه‌های خاص خود دارد. زبان شامل گفتار و نوشتار بوده و فرا زبان شامل: حرکات بدن، آهنگ و ویژگیهای صدا و یا به عبارتی لحن، همچنین رعایت فاصله، نوع لباس پوشیدن، آرایش کردن و... است..

روش‌شناسی پژوهش

در این تحقیق از روش تحلیل مضمون استفاده شد. تحلیل مضمون روشی است که معمولاً برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در تحقیقات کیفی اولیه مورد استفاده قرار می‌گیرد پژوهشگر در تحلیل مضمون، مباحث مهم مطرح شده در متن را استخراج می‌کند. فرایند تحلیل مضمون شامل یک رفت و برگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و خلاصه‌های کدگذاری شده و تحلیل داده‌هایی است که به وجود می‌آیند. تحلیل مضمون فرایندی بازگشتی است که در آن حرکت به عقب و جلو در بین مراحل ذکر شده وجود دارد (توماس، هاردن، ۲۰۰۸).

جامعه آماری تحقیق را دو اثر «منظومه حیدربابا» و «سهندیه» تشکیل می‌دهد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند است، که براساس آن، نمونه‌های مورد بررسی، منطبق با جامعه آماری در نظر گرفته شده است و به دلیل تکیه بر برداشت‌های عمومی، پیوستگی مفهومی شعرها در نظر گرفته شد.

متن یا واحد مورد تحلیل ما در این پژوهش، « هر بیت شعر» است، واحدهای پژوهش را در چند دسته می‌توان طبقه بندی کرد. هر یک از اشعار شاعران یاد شده، واحد تحقیق هستند.

مانند سایر روش‌های تحقیق، بعد از به دست آمدن نتایج حاصل از تحلیل محتوا، بروندادهای آن می‌بایست در مظان داوری پژوهشگر و دیگران قرا بگیرد. چهار معیار برای ارزیابی نتایج به دست آمده در پژوهش‌های کیفی ارائه شده است که عبارتند از باورپذیری، انتقال پذیری، وابستگی و اعتماد پذیری (1). برای اعتبار و پایایی این تحقیق سعی شد یافته‌های تحقیق با یافته‌های پژوهش‌های دیگر به صورت تطبیقی مقایسه شود.

یافته‌های پژوهش

هائگونه که در بخش روش تحقیق نیز ذکر شد برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد و انواع گوناگون ارتباطات غیر کلامی در دو منظومه "سلام بر حیدربابا" و "سهندیه" مورد واکاوی قرار گرفت و هفت نوع ارتباطات غیر کلامی شامل وضعیت رفتار، لحن و حالت بیان و گفتار، موسیقی، حالت بدن، حرمت صورت، فاصله و مجاورت و شرایط محیطی تشخیص داده شد و مصادیق هر کدام جداگانه در قالب عنوان‌ها و جدول زیر بیان شده است.

سلام بر حیدربابا، نخستین شعری است که وی به زبان مادری (ترکی آذربایجانی) سروده است. این مجموعه ۷۶ قطعه است که هر قطعه از ۵ مصرع هجایی ترکیب یافته است؛ سه مصرع اول با دو مصرع آخر جداگانه با هم قافیه می‌گیرند. حیدر بابا نام کوهی است در نزدیکی روستای خشک‌تاب آذربایجان که شهریار ایام کودکی را در دامان آن گذرانده است. او در این مجموعه، کوه حیدر بابا را مخاطب قرار داده است و از خاطرات کودکی خود یاد می‌کند. این مجموعه در سال ۱۳۳۲ در تبریز انتشار یافته و از

سوی برخی شعرا از جمله مولف این مقاله به زبان فارسی نیز ترجمه شده است.

ظاهر فیزیکی:

در اولین بند منظومه سلام بر حیدربابا، شهریار از ارتباطات غیرکلامی استفاده کرده و به شیوه فرا زبانی به غرش رعد و برق و صدای مهیب و انفجاری این پدیده طبیعی اشاره نموده است. وقتی مردم از شوق و هیجان ساز و آواز میراژدربه دویدن و جهیدن خود و بال و پر گشودن مانند پرندگان یاد می‌کند.

بند ۱۴ منظومه سلام بر حیدربابا جزو بندهای بسیار مصور و خیال انگیز و مملو از قدرت ارتباطات غیرکلامی این اثر استادانه است. شهریار در این بند پر از خیال و تصویری فرماید: آنگاه که باد خزان می‌آمد و برگریزان می‌شد، آنگاه که ابرها از قله‌ها به دامنه کوه سرازیر می‌شد. حتی درختان در برابر این همه زیبایی سر فرود می‌آوردند و به خداوند سجده می‌کردند.^۱

شهریار در منظومه حیدربابا می‌گوید: «حیدربابا یقیناً غازه‌های زیبای قوری گول و نیز سوز سرمای گردنه‌ها همچنین مناظر زیبای پاییزی و بهاری روستاها و مزارع گندم را به یاد داری»^۲

ماه از پشت ابرها بیرون آمد و چشمک زد
قوری روی تنور می‌جو شید و قوورما یا گندم‌ها بر روی ساج به
رقص در می‌آمد و برشته می‌شد.

در منظومه سهندیه پرداختن به ظاهر فیزیکی با این عبارت قابل ملاحظه است: باز هم چشم‌ها پر از اشک شد.

بنگر چه احترامی در آن کلاه پوستین خود دارد!

وضع رفتار:

شاعر در منظومه حیدر بابا چکه چکه کردن باران و صدای بارش باران و سیل و نیز صف بستن و تماشای دختران به این پدیده زیبای

^۱ - حیدربابا، قوری گولون قازلاری/ گدیکلرین سازاخ چالان سازلاری/ گت کوشنین پاییزلاری، یازلاری/ بیر سینما پرده سی دیر گوزومده/ تک اوتوروب، سیر ائده رم اوزومده

^۲ - خزان یئلی یارپاخلاری تۆکنده / بولوت داغدان یئنیب، کنده چۆکنده/ شیخ الاسلام گۆزل سسین چکنده/ یسگیلی سۆز اورکلره دیردی/ آغاشلار دا آلاها باش آیردی

طبیعت، تابش نور خورشید و گرما بخشی آن و اینکه این گرما بخشی را مایه حیات و زندگی کوه و مردم آن سامان می‌داند و بدینگونه با استفاده از ارتباطات غیرکلامی به حرارت و گرما بخشی نور آفتاب و این پدیده طبیعی می‌پردازد.

«شاعر جریان یافتن آب چشمه سارها از کوه را به گریستن و روان شدن اشک تشبیه نموده و بدینگونه زلال آب روان و صدای زیبای چشمه را در مقابل دیدگان خواننده خود، مجسم می‌سازد.

در بند (۱۱) شهریار خاطرات جاده قره چمن و جار زدن جارچیان را به یاد می‌آورد و می‌گوید همه اینها در مقابل دیدگان من مانند پرده سینمایی است که در خلوت خود نشسته و آنها را از نظر می‌گذرانم و با آن خاطرات زندگی می‌کنم.

در واقع شاعر در این بند زیبا با کلام مخیل خود، هم افتادن برگ درختان خزان دیده بر روی زمین و فضای مه آلود، پر اکسیژن، صاف و تمیز روستا را به تصویر می‌کشد، هم صدای مناجات و اذان گویی موذن را به گوش جانها می‌رساند و باز صحنه‌هایی قابل تجربه از تاثیر نوای معنوی اذان و مناجات در دلها را یادآوری نموده، با کلام جادویی خود، صحنه خم شدن درختان در طوفان هراس انگیز روستا را به بهترین شکل ممکن در دیدگان مخاطب خود، می‌آفریند.

آی بولوددان چیخیب قاش-گوز آتاند! از تشبیهات بسیار زیبا و مخیل منظومه حیدر بابا، این مصراع است که می‌فرماید: زمانی که ماه از پشت ابر با آن چشم و ابرو بیرون آمد و چشمک زد و خودی نشان داد. در واقع یعنی وقتی شب شد و ماه در آمد.

شاعر ضمن ادامه دادن به خاطر گویی هایش می‌فرماید: لقمه غسل عمه جان را می‌خوردم. سپس بر می‌خاستم و لباس می‌پوشیدم که به بیرون بروم. به باغچه‌ها می‌رفتم و با شادی و رقص و آواز به جست و خیز می‌پرداختم.^۱

۱- عمه جانین بال بلله سین ییه ردیم / سوئنان دوروب ، اوُس دُونومی گییه ردیم / باخچالاردا تیرینگنی دییه ردیم / آی اُوْزومی اوْ ازدیرن گوْئلریم! / آغاج مینیب ، آت گزدیرن گوْئلریم!

بند ۲۲ نیز از جهت ارتباطات غیرکلامی و جادوی فرازبانی استاد قابل تامل و شایان ذکر است. می‌فرماید: خاله هجی (هاجر) لباس‌ها را در آب چشمه می‌شست، محمدصادق به بام خانه‌اش کاهگل می‌داد.

ما هم در آن عالم زیبا، کوه، صخره و دیوار را از هم نمی‌شناختیم و هر جا که می‌آمد، جست و خیز زده، بازی می‌کردیم.^۲

عمه ستاره شیرینی نازک می‌پخت. میر قادر هم یکی از آنها را می‌قایید و می‌خورد و به سرعت کره اسب فرار می‌کرد. هنگام شب با میرزاتقی به کنار رودخانه رفتیم. من در درون آب رود ماه را می‌دیدم که غرق شده بود، ناگاه آن سوی باغچه نوری درخشیدن گرفت، فهمیدیم که چشمان گرگ است که در تاریکی می‌درخشد.

وضع رفتار در منظومه سه‌نبدیه به گونه دیگری است. به عنوان نمونه: در کنار موسیقی سکه‌های پول از سر و روی همه مانند فواره می‌بارد/ وقتی که اردک خلوت کرده با پری‌ها درحال شنا کردن است. / (سیاره) زهره که الهه موسیقی است، وقتی شئل پوشیده و در بالکن ایستاده، دیده می‌شود / در آن باد و باران بهاری خود را خواهند شست. / گویا ساغر می‌هم زده و مدهوش افتاده اند

لحن و حالت بیان گفتار:

در منظومه حیدر بابا لحن و حالت بیان گفتار به شرح زیر بیان شده است:

بانگ و آواز میراژدر را که یکی از روستائیان است و نیز نوای دلنشین ساز عاشقی را در مقابل دیدگان خواننده خود مجسم می‌سازد.

سخن گفتن از صفا و صمیمیت مردم آن روزگاران و نیز از ترک شدن آن رسوم زیبا

۲- هَجی خالا چایدا پالتار یوواردی / مَمَد صادق داملارینی سوواردی/ هنج بیلمز دیک داغدی ، داشدی ، دوواردی/ هریان گلدی شیلخ آتیب ، آشاردیق / آلا، نه خوش غمسیر-غمسیر یاشاردیق

شاعر وظیفه قصه گویی را نیز به حیدربابا می سپارد و با بهره گیری از آرایه جان بخشی تصویر قصه پردازی و داستان گویی مادر بزرگ یا پدر بزرگها برای کودکان را برای خواننده خود، متجلی می سازد.

حیدربابا وقتی خورشید در روستا غروب کرد بچه ها شام خود را خوردند و خوابیدند، ماه از پشت ابرها بیرون آمد و چشمک زد، از ما برای آنها قصه بگو و در آن قصه از غم و غصه های ما بگو صحنه قصه گویی مادر بزرگ در شب های زمستان و سوز سرما و کولاکی که همچون پتکی خود را به در و دیوار خانه های روستایی می کوبد و در دلها هراس می افکند و در میان این وحشت، مادر بزرگ پیر قصه شنگول و منگول را برای کودک روستایی تعریف می کند، آنقدر تصویر بکر و روشنی را می آفریند که شاعر آرزوی بازگشت به دوران کودکی خود را بر زبان می آورد.

خدایا چه خوش بدون غم و غصه زندگی می کردیم.

لحن و حالت بیان و گفتار در منظومه سهندیه با این مصداق قابل ذکر است: آن شاعر اسمش را از تو ستانده، همو که تو نامت را از او گرفته ای.

موسیقی:

در زمینه کاربرد موسیقی در منظومه حیدربابا در ابیات مختلف می توان نموده های آن را دید:

ای شهریار نوای ساز عاشق رستم و آواز میراژدر را در گوش جان مخاطب شعر خود زنده می گرداند.

شاعر با اشاره به سوز سرمای زمستان در گردنه ها، صدای آن سوز سرما را مانند صدای نغمه ساز عاشقها به تصویر می کشد.

آنگاه که شیخ الاسلام روستا با صدای زیبایش اذان و مناجات سر می داد، آن کلام و نعمات الهی در دلها نفوذ می کرد و روح مردم را جلا می داد.

از مصداق های کاربرد موسیقی به عنوان ارتباط غیر کلامی در منظومه سهندیه به مورد زیر می توان اشاره کرد: در کنار موسیقی سکه های پول از سر و روی همه مانند فواره می بارد.

حالت بدن:

بند ۲۱ منظومه حیدربابا از نظر پرداختن به حالت بدن بسیار قابل تأمل است. «آعاج مینیب آت گردیرمک» های کودکانه بوده است. کودک با قدرت تصور و تصویرسازی خود چوبدستی اش را اسب خود تصور می کند و به خیال خود روی آن سوار شده و می تازد. چه روزهایی بود آن روزها که عزیز و دردانه بودم و ناز مرا می کشیدند. روی چوب دستی سوار می شدم و مثل سوار می تاختم.

پسر عمو ملاباقر هم از روی ترس به گوشه ای می خزید و ساکت می نشست.

حالت بدن در منظومه سهندیه به گونه زیر قابل مشاهده است: با آن نواهای آسمانی پری ها گاه مدهوش شده گاهی به خود می آیند

حرکات صورت:

شهریار در بند ۶۲ منظومه سلام بر حیدربابا می فرماید: «خانم عمّه وقتی که شوهرش میر عبدل صحبت می کند، از روی عصبانیت به او دهن کجی می کند و او را مسخره می کند اما ملک الموت هم با او کنار می آید و نفرین عمّه را بی اثر می گذارد. ولی کارها اینطور پیش نمی رود. در منظومه سهندیه مصداق مشخصی برای پرداختن به حرکات صورت به عنوان یک نمونه از مصادیق ارتباط غیر کلامی موردی یافت نشد.

فاصله و مجاورت:

در منظومه حیدربابا نمونه هایی از مجاورت به شح زیر به چشم می خورد:

...وقتی چشممان به گرگ افتادای وای گفتیم و از ترس برگشته و فرار کردیم، آن قدر سریع دور شدیم که متوجه نشدیم چه زمانی از گردنه عبور کرده ایم.

.. آنها دعوایشان را به شوخی مبدل می‌سازند و پس از خوردن آبگوشت سر به بالین گذاشته و می‌خوابند.

جدول زیر نمونه‌هایی از اشعار شهریار به همراه نوع ارتباط غیر کلامی نهفته در آن را نشان می‌دهد. در برخی از ابیات و قطعات بیش از یک نمونه ارتباطات غیر کلامی دیده می‌شود.

فاصله و مجاورت در منظومه سهندیه با این جمله قابل بیان است: همه جا چون آینه شفاف شده. گویا زمین و آسمان در هم تنیده است

شرایط محیطی:

جدول شماره (۲) نمونه‌هایی از اشعار هر دو منظومه استاد شهریار را به نمایش می‌گذارد:

جدول ۲. گزیده‌هایی از اشعار شهریار بر اساس نوع ارتباطات غیر کلامی

نوع ارتباط غیر کلامی	منظومه سهندیه		منظومه حیدر بابا		ردیف
	ترجمه	بیت/ ابیات شعر	ترجمه	بیت/ ابیات شعر	
موسیقی / شرایط محیطی / رفتار / محیطی	در کنار موسیقی سکه‌های پول از سر و روی همه مانند فواره می‌بارد.	شعر و موسیقی شادباش اولمادا افشاندی پریشان	حیدر بابا رعد و برق آسمان به هنگام باران و سیل روان صف بستن و تماشای دختران به شوکت و ایل و تبارت سلام یادی بکن از نام من در کلام	بند اول منظومه حیدر بابا به سلام: حیدر بابا ایلدیریملا شاختاندا سنلر شاققیداییب آخاندای قیزلار اونا صف باغلاییب باخاندای سلام اولسون شوکتیزه ائلیزه منیم ده بیر آدیم گلسین دیلیزه	۱
شرایط محیطی	آنجا برف هم می‌بارد. اما گلها پژمرده نمی‌شود	اوردا قار دا یاغار آما دها گوللر سولا ییلمز	حیدر بابا خورشید بخت دمد چشمه هایت گریه کرد رُخت بخندد گل بچیند کودکانت، ببندد باد آورد بوی آن را به سویم بختم خندد اگر آن گل بیویم	بند (۴) منظومه حیدر بابا به سلام: حیدر بابا گون دالیوی داغلا سین اوزون گولسون بولاقلارین آغلا سین اوشاقلارین بیر دسته گول باغلا سین یئل گلنده وئر گتیر سین بو یانا بلکه منیم یاتمیش بختیم اویانا	۲
پیرایان / فاصله و مجاورت	همه جا چون آینه شفاف شده. گویا زمین و آسمان در هم تنیده است	آینادیر هر نه باخیرسان، یئر اولوب گویله مساوی	حیدر بابا میر اژدر و صدایش ده پُر می‌شد از آوا و نوایش عاشیق رستم صدای دلربایش یاد روزی که در ده می‌پریدم مثل پرنده‌ها چه می‌پریدم	بند (۸) منظومه حیدر بابا به سلام: حیدر بابا میر اژدر سسلننده کند ایچینه سس دن- کویدن دوشنده عاشیق رستم سازین دیللدنیرنده یادیندای نه هوله سک قاچاردیم؟ قوشلار تکین قاناد چالیب اوچاردیم.	
وضع رفتار / پیرایان	وقتی که اردک خلوت کرده با پری‌ها در حال شنا کردن است	اوردگین خلوت ائدیپ گولده پری لرله چیمنده	حیدر بابا قوری گول و سازها سوز سرما در گردنه سازها بهاران و خزان‌ها و نازها در منظرم پرده سینما شد هر لحظه اش در دیده سی نما شد	حیدر بابا قوری گولون قازلاری گدیگرلرین سزاق چالان سازلاری کند- کووشنین پاییزلاری، یازلاری بیر سینما پرده سی دیر گوزومه تکک اوتوروب سئیر ائدرم اوزومه	۳

ظاهر فیزیکی/ لحن	آن شاعر اسمش را از تو	آد آلیب سندن او شاعیر	قاره چمن آن دیار جانفزا	بند (۱۱) منظومه حیدربابایه سلام:	۴
گفتار/ ظاهر فیزیکی	ستانده، همو که تو نامت را از او گرفته ای	کی سن اوندان آد آلیسان	از چاوشان هنوزم آید صدا درد و بلای زائر کربلا	حیدر بابا قره چمن جاداسی چووشلارین گلر سسی-صداسی کربلایا گندنلرین قاداسی	
			به جان این گمراهان نابکار این تمدن روز ما را کرده تار	دوشسون بو آج یولسوزلارین گوزونه تمدنون اویدوق یالان سوزونه	
حرکات/ ظاهر فیزیکی/ رفتار	باز هم چشم‌ها پر از اشک وضع شد	یئنه گوزلر بولاق اولدی	افتادن و زردی برگ خزان دیدن مه در ده و باغ و بستان	بند (۱۴) منظومه حیدربابایه سلام: خزان یئلی یاراقلاری توکنده بولود داغدان انئیب کنده چوکنده شیخ الاسلام وقتی که می‌داد اذان آرزوها در سینه‌ها می‌پرورد درختان هم می‌دیدن سجده می‌کرد	۵
میزان فاصله/حالت بدن/ فیزیکی/ لحن و حالت بیان	نگر چه احترامی در آن کلاه پوستین خود دارد!	باخ نه حورمت وار اونون اوز دنمیشی توکک پاپاغیندا	حیدر بابا غروب که شد روستا بعد از شام و وقت خواب بچه‌ها در آن شب مهتابی جانفزا از ما به کودکان خود قصه گو قصه‌های پر غم و پر غصه گو	بند (۱۹) منظومه حیدربابایه سلام: حیدر بابا کندین گونی باتاندا اوشاقلارین شامین یئییب یاتاندا ی بولوددان چیخیب قاش-گوز آتاندا بیزدن ده بیر سن اونلارا قیصه دئ قیصه میزده چوخلی غم و غصه دئ	۶
میزان فاصله،حالت بدن، فیزیکی، لحن و بیان	با آن نواهای آسمانی پری‌ها گاه مدهوش شده گاهی به خود می‌آیند	او نوالرله پری لر گاه اویوب گاه اویانیرلار	قصه می‌گفت شب‌ها که مادر بزرگ از شنگول و منگول و از چنگ گریک خانه‌ها را می‌کوبید باد سترگ ای کاش میشد سفر کردن در زمان بر می‌گشتم کنار آن کودکان	بند (۲۰) منظومه حیدربابایه سلام: قاری ننه گنججه ناغیل دئینده کولک قالخیب قاپ باجانی دوینده قورد کنچی نین شنگولوسون یئینده من قایدیب بیر ده اوشاق اولایدیم بیر گول آچیب اوندان سونرا سولایدیم	۷
ظاهر فیزیکی، حالت بدن/ خوراک/ رفتار	(سیاره) زهره که الهه موسیقی است، وقتی شغل پوشیده و در بالکن ایستاده، دیده می‌شود.	زهره ایواندا الهه شئلینده گورونرکن	لقمه‌ای از غسل میداد عمه جان پیراهنم می‌پوشیدم بعد از آن با بازی تیرینگی می‌شد زمان دردانه بودم و عزیز ای خدا چویدستم اسبم می‌شد هم عصا	بند (۲۱) منظومه حیدربابایه سلام: عمه جانین بال بلله سین یئیردیم سونرا دوروب اوس دونومی گئیردیم باغچالاردا تیرینگه نی دئیردیم آی اوزومی او ازدیرن گونلریم آغاج مینیب آت گزدیرن گونلریم	۸
مسیر دید یا نگاه،حالت بدن، ظاهر فیزیکی، میزان فاصله،حالت عاطفی گفتار، وضع رفتار	در آن باد و باران بهاری خود را خواهند شست.	یئل یاغیشدا یویونارکن ده گونشله گوله جکلر	هاجر لباس می‌شست دم رودخونه صادق کاهگل می‌داد به بام خونه کوه و دشت و آبادی و ویرونه صدای شادی می‌پیچید در هوا چه بی غم و غصه بودیم ای خدا	بند (۲۲) منظومه حیدربابایه سلام: هجی خالا چایدا پالتار یوواردی ممد صادق داملارینی سوواردی هئچ بیلمز دیک داغدی، داشدی،دوواردی هر یان گلیب شیللاق آتیب آشاردیق آلاله نه خوش غمسیز- غمسیز یاشاردیق	۹
حالت بدن، ظاهر فیزیکی، مسیر دید	گویا ساغر می‌هم زده و مدهوش افتاده اند	سانکی ساغر ده ووروبلار	با میرزا تقی رفتیم به ساحل رود مه در آن شب شناگر در آب بود	بند (۴۴) منظومه حیدربابایه سلام: میرزا تاغینان گنججه گشتدیک چایا	۱۰

یا نگاه، میزان	نوری افتاد آن طرف باغچه زود	من باخیرام سئلده بوغولموش آیا
فاصله، حرکات	ای وای گفتیم چشمای گرگه این	بیردن ایشیق دوشدو اوتای باغچایا
صورت و نگاه	نور	ای وای دئدیک فورددی، قییتدیک
	به یک نفس از گردنه شدیم دور	قاجدیک
		هنچ بیلمه دیک نه واخت گدیکن
		آشدیک
مسیر دید یا نگاه،	باز هم چشم‌ها پر از اشک	یثنه گوزلر بولاق اولدی
حالت بدن، ظاهر شد	عمه می‌بخت شیرینی‌های نازک	بند (۶۰) منظومه حیدربابایه سلام: ۱۱
فیزیکی، حالت	میر قادر هم می‌قاپید باتحرک	ستاره عمه نزیکلری یاپاردی
عاطفی گفتار	می‌قاپید و فرار می‌کرد چه چابک	میر قادیر ده هر دم بیرین قاپاردی
	خنده دار بود قاپیدن میر قادر	قاپیب یثیب دایچا کیمی چپاردی
	عمه با چوب می‌زد او را به ظاهر	گولمه لی ایدی اونون نزیک یاپماسی
		عمه نین ده ارسینی نین شاپماسی
حالت بدن، ظاهر	ای کوه سهند که طوفانها	باشی طوفانلی سهندیم
فیزیکی، حرکات	را از سر گذرانده ای	بند (۶۲) منظومه حیدربابایه سلام: ۱۲
صورت یا نگاه		می شنید و می‌کرد او را تمسخر
		خانیم عمه میر عبدلون سوزونی
		ملکامی از خنده می‌شد روده بر
		انشیدنده اگر آغیز- گوزونی
		دعوایشان با شوخی می‌خورد
		ملکامی دا وئرر اونون اوزونی
		داعوالارین شوخلوغونان قاتارلار
		پیوند
		تلخی هاشان شیرین می‌شد مثل
		اتی یثیب باشی آتیپ یاتارلار
		قند

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف شناسایی نحوه بازنمود ارتباطات غیر کلامی اشعار ترکی شهریار انجام شده است. روش این پژوهش تحلیل محتوای کیفی بر اساس رویکرد عرفی است. جامعه آماری تحقیق را «منظومه حیدربابا» و «سهندیه» تشکیل می‌دهد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند است، که بر اساس آن، نمونه‌های موردبررسی، منطبق با جامعه آماری در نظر گرفته شده و به دلیل تکیه بر برداشت‌های عمومی، پیوستگی مفهومی شعرها در نظر گرفته شده است. واحد تحلیل در این پژوهش، «هر بیت شعر» است.

با بررسی اشعار ترکی شهریار بخصوص منظومه حیدر بابا، نشانه‌های ارتباطات غیرکلامی در این اشعار به وفور یافت می‌شود. نمونه‌هایی از فرآیند ارتباطی که خود شامل زبان و فرازبان است و هریک زیر مجموعه‌های خاص خود دارد. زبان شامل گفتار و نوشتار بوده و فرا زبان شامل: حرکات بدن، آهنگ و ویژگیهای

صدا و یا به عبارتی لحن، همچنین رعایت فاصله، نوع لباس پوشیدن، آرایش کردن و... می‌باشد.

منظومه سلام بر حیدر بابا غرض رد و برق را مصداقی برای ظاهر فیزیکی، چکه چکه کردن باران و صدای بارش باران و سیل و صف بستن و تماشای دختران به این پدیده زیبای طبیعت را با مسیر دید یا نگاه به عنوان مصداق ارتباطات غیر کلامی بیان می‌کند. از این جنبه یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج تحقیق، شکوری و شکری (۱۴۰۱) و آذری (۱۳۸۳) همسویی دارد (18، 29).

در این منظومه به تابش نور خورشید و گرما بخشی آن و حالت عاطفی گفتار و ظاهر فیزیکی مورد تاکید قرار گرفته اند. حالت جار زدن جارچیان مصداقی برای ظاهر فیزیکی، صفا و صمیمیت مردم آن روزگاران نمودی از حالت عاطفی گفتار در ارتباطات غیر کلامی هستند. سرازیر شدن ابرها به دامنه کوه و سجده درختان مصداقی برای ظاهر فیزیکی است. جلا دادن روح انسان مصداق

حالت عاطفی گفتار است. غروب خورشید در روستا تداعی بخش مسیر دید یا نگاه) است و بیرون آمدن ماه از پشت ابر مصداقی برای ظاهر فیزیکی به شمار می‌رود.

شاعر با ترسیم صحنه قصه گویی مادر بزرگ میزان فاصله، حالت بدن را به تصویر می‌کشد و کویدن سوزو سرما در شب‌های زمستان به در و دیوار خانه‌های روستایی را نمودی از ظاهر فیزیکی و آرزوی بازگشت به دوران کودکی وی را مصداقی برای حالت عاطفی گفتار می‌داند. همچنین وی با به تصویر کشیدن صحنه قصه گویی مادر بزرگ میزان فاصله و حالت بدن و با بیان آرزوی شاعر به بازگشت به دوران کودکی خود حالت عاطفی گفتار را نمایان می‌سازد. در اینجا نیز نتایج تحقیق افراخته و مدرسی (۱۳۹۹)، جمشیدی (۱۳۹۱)، جعفری (۱۳۹۱) و قویدل (۱۴۰۰) به روشنی قابل درک است (26-28, 30).

در این منظومه آنجائیکه کودک چوبدستی اش را اسب خود تصور می‌کند و به خیال خود روی آن سوار شده و می‌تازد، ظاهر فیزیکی و حالت بدن را به نمایش می‌گذارد. نتایج تحقیق از این نظر با نتایج طاهری فرد همراستا است. کاهگل کردن بام خانه تداعی مسیر دید یا نگاه، حالت بدن و ظاهر فیزیکی است. حسرتی که شاعر نسبت به زندگی بی غم و غصه دوران قدیم دارد حالت عاطفی گفتار وی را نشان می‌دهد. این یافته با تحقیق داس زرین و همکاران (۱۴۰۳) همسویی دارد.

شهریار در این منظومه بالا و پائین پریدن مانند گندم روی آتش را مصداق حرکت فیزیکی در ارتباطات غیر کلامی می‌دند.

بر اساس یافته‌های تحقیق، شهریار اشک چشم خود را همچون نامه نویسی می‌داند که آه درون نیز قاصد آن است و از این طریق حالت عاطفی گفتار را نشان می‌دهد. در اینجا نیز همسویی‌هایی بین نتایج تحقیق حاضر با یافته‌های تحقیق جعفری (۱۳۹۲) مشاهده می‌شود (26, 27). فرار کردن از روی ترس تداعی حالت بدن و حرکات فیزیکی است. وی با به تصویر کشیدن نحوه پخت

شیرینی، قاپیدن و فرار مانند کره اسب و کتک خوردن از عمه مسیر دید یا نگاه، حالت بدن، ظاهر فیزیکی و حالت عاطفی گفتار را نشان می‌دهد. دهن کجی و و مسخره بازی حالت بدن، ظاهر فیزیکی و حرکات صورت یا نگاه را نشان می‌دهد و سر به بالین گذاشتن و خوابیدن تداعی بخش حالت عاطفی گفتار است. در اینجا نیز همسویی بین نتایج تحقیق حاضر با یافته‌های پژوهش قویدل (۱۴۰۰) مشاهده می‌شود.

شاعر در منظومه سهندیه ظاهر فیزیکی را با پر اشک شدن چشم‌ها و یا اینکه «بنگر چه احترامی در آن کلاه پوستین خود دارد!» نشان می‌دهد. از این جنبه یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج تحقیق، شکوری و شکری (۱۴۰۱) و آذری (۱۳۸۳) همسویی دارد (18, 29).

وضع رفتار در این منظومه نمود بیشتری دارد. اینکه «(سیاره) زهره که الهه موسیقی است، وقتی شتل پوشیده و در بالکن ایستاده، دیده می‌شود: و یا «گویا ساغر می‌هم زده و مدهوش افتاده اند.» مصادیقی از بیان وضعیت ظاهر در اشعار مجموعه سهندیه است. در اینجا نیز نتایج تحقیق افراخته و مدرسی (۱۳۹۹)، جمشیدی (۱۳۹۱)، جعفری (۱۳۹۱) و قویدل (۱۴۰۰) به روشنی قابل درک است. از نمودهای موسیقی در مجموعه سهندیه «در کنار موسیقی سکه‌های پول از سر و روی همه مانند فواره می‌بارد» است (21, 26-28, 30). شاعر مانند پژوهش داس زرین و

همکاران (۱۴۰۳) حالت بدن را با عبارت «با آن نواهای آسمانی پری‌ها گاه مدهوش شده گاهی به خود می‌آیند» در این منظومه نشان می‌دهد (19). اشاره به اینکه همه جا چون آینه شفاف شده. گویا زمین و آسمان در هم تنیده است بیان کننده فاصله در این مجموعه است. شرایط محیطی در اشعار شهریار در جاییکه به کوه سهند اشاره می‌کند که طوفانها را از سر گذرانده است و یا در جایی که برف می‌بارد در حالیکه گل‌ها آنجا پژمرده نمی‌شوند به چشم می‌خورد.

EXTENDED ABSTRACT**Introduction**

The exploration of nonverbal communication has long occupied an important position in interdisciplinary research, especially where linguistic, cultural and literary systems intersect. The current study situates itself within this broader scholarly landscape by examining how nonverbal communication operates as an implicit but powerful semiotic system within *Salam bar Heydar Baba* and *Sahandiyeh*, two foundational Azerbaijani-Turkish poetic works of Master Shahriar. Prior scholarship has firmly established the constitutive role of nonverbal cues—ranging from bodily gestures to facial expressivity, tone of voice, gaze dynamics, proxemics, silence, and environmental conditions—in shaping and mediating interpersonal meaning (1, 2). Both psychological and communication-theory perspectives indicate that nonverbal signals often exceed verbal language in emotional clarity, relational immediacy, and cultural embeddedness. Nagl and Lobinga, for example, emphasize the communicative value of subtle affective cues such as a smile or an embrace, while Mehrabian assigns as much as 93% of meaning transmission to nonverbal channels (4). The literary domain, meanwhile, integrates these nonverbal systems to enhance imagery, mood, emotional intensity, and character portrayal, functioning as a

parallel axis of meaning-making that augments or even substitutes verbal discourse (3, 9). Within this conceptual field, Shahriar's poetry—deeply rooted in cultural memory, rural visuality, ecological sensibility, ritualized experience, and affective nostalgia—presents a rich canvas for identifying embodied, environmental, and sensory forms of communication that emerge outside direct linguistic expression. The present study therefore addresses a significant theoretical and interpretive gap by analyzing systematic reflections of nonverbal signs in these two major poetic texts.

jtpl-246

The methodological framework employs qualitative conventional content analysis to extract, classify and interpret meaningful nonverbal categories at the level of the poetic line, enabling a thematic mapping of embodied and environmental signifiers across the two works. Prior definitional foundations of communication studies shape this analysis, particularly conceptualizations of communication as a dynamic, reciprocal and meaning-constructive process (5). Nonverbal communication is treated as an extensive behavioral-semiotic system encompassing bodily movement, facial affect, vocal tonality, space-time organization, touch, environmental conditions, and symbolic

material culture such as clothing, objects, scents and artifacts (6). In literary contexts these systems shape realism, atmospheric texture, and implicit narrative meaning (10, 11). The dataset comprises all lines of the two poetic works, selected through purposive sampling because of their thematic unity and conceptual continuity. The process of coding followed repeated cycles of close reading to ensure credibility, transferability, dependability, and confirmability, consistent with qualitative validity standards (1). Through this iterative mapping, seven overarching nonverbal categories emerged: physical appearance, behavioral stance, body movements, facial expressions, vocal tone and verbal-paraverbal cues, proxemics and spatial relations, musicality, and environmental or atmospheric conditions. These categories align with established typologies proposed by scholars such as Birdwhistell, Argyle, Hall and others who classify nonverbal systems into kinetic, paralinguistic, proxemic and environmental dimensions (7, 8, 17).

In *Salam bar Heydar Baba*, nonverbal imagery is distinctly dominant, manifesting through depictions of thunder, lightning, cascading rain, the trembling of natural elements, bodily movements of villagers, the rhythmic sounds of musical instruments, shifts in facial expressions, proxemic relations among characters, and environmental signals encoding cultural and emotional memory. The poem's structure relies heavily on sensory and

embodied imagery that functions as nonverbal signs: the roar of thunder evokes both physical magnitude and emotional intensity; the upright or bending posture of trees signals reverence; the sparkling emergence of the moon communicates serenity and childhood wonder; villagers' gestures—running, jumping, laughing, weeping—construct a narrative of communal affect; environmental elements such as fog, wind, snow, river flow, and flashing light serve as symbolic extensions of internal states. These patterns parallel insights from literary analyses demonstrating how nonverbal codes heighten realism, dramatize emotional nuance, and transmit cultural identity (10, 25). Further, instances such as grandmother's storytelling, children's playful body postures, and the proxemic closeness of collective village rituals illustrate how embodied communication underlies interpersonal bonds, social cohesion and generational memory. The multiplicity of nonverbal forms in *Heydar Baba* resonates with findings from studies of nonverbal presence in other poetic and narrative corpora, including works by Nizami, Shams, Golshiri and others (18, 28, 30).

In *Sahandīyeh*, nonverbal communication manifests differently, with greater emphasis on environmental signs, atmospheric symbolism, music-infused motifs, and metaphysical imagery. While bodily gestures and facial expressions are present, they appear less frequently than in *Heydar Baba*. Here, the mountains, storms, celestial figures and

musical atmospheres act as dominant nonverbal agents. Snow that does not wilt the flowers, the reflective merging of earth and sky, and the upright dignity of a shepherd's posture reflect a fusion of nature and humanity in nonverbal expressivity. Musical metaphors—such as celestial melodies that intoxicate or revive—reflect Rabiger's interpretation of music as an emotional catalyst (15). Behavioral nonverbal cues also emerge in depictions of ducks swimming with water spirits or the reverent display of traditional headwear, linking bodily symbolism with cultural identity. This aligns with earlier findings that environmental and material codes are especially central in modern Persian prose and poetic narratives (20, 28). At the same time, *Sahandīyeh* incorporates proxemic and paralinguistic subtleties, though with less narrative centrality than in *Heydar Baba*. These divergences between the works underscore that nonverbal communication is not monolithic but contextually shaped by each poem's thematic architecture, emotional register and symbolic universe.

The comparative analysis reveals that Shahriar employs nonverbal elements more extensively and graphically in *Heydar Baba* than in *Sahandīyeh*. This difference may reflect the former's autobiographical intimacy and its grounding in childhood sensory memory, where embodied experience and environmental perception are heightened. The study's findings align with previous scholarship indicating that epic, rural, and memory-based

narratives tend to rely heavily on kinetic, paralinguistic and environmental cues (21, 24). Meanwhile, *Sahandīyeh* leans toward allegorical and symbolic nonverbal cues consistent with a more philosophical tone. These results also correspond with the view that nonverbal communication shapes audience engagement by allowing readers to decode emotional and cultural messages beyond verbal language (19, 23). Overall, the study contributes to filling an analytic gap in Azerbaijani-Turkish literary scholarship, where nonverbal systems have been underexplored despite their narrative centrality.

In conclusion, the study demonstrates that nonverbal communication functions as a structural and aesthetic pillar in Shahriar's poetic universe, shaping emotional resonance, cultural identity, and interpretive depth across both *Heydar Baba* and *Sahandīyeh*. These findings expand the theoretical understanding of how literary texts encode embodied and environmental meaning and underscore the value of nonverbal analysis as a method for uncovering deeper layers of poetic communication.

References

1. Mo'menī Rād A. Qualitative Content Analysis in Research Methodology: Nature, Stages, and Validity of Results. *Educational Measurement Quarterly*. 2013;4(14).
2. Moḥammadī A, Abdī G. Non-Verbal Communication in Sa'dī's Golestān. *Persian Language and Literature Journal (Former Journal of the Faculty of Literature, Tabriz University)*. 2016;69(Serial 234).
3. Farbūd Nīā B, Ṭāherī HS. *Non-Verbal Communication Skills*. Tehran: Afrā Strategic Research; 2021.

4. Mehrābīān A. Silent Messages. Tehran 2023.
5. Moḥsenī M. Investigating Non-Verbal Communication in Khwājeh 'Abdullāh Anṣārī's Ṭabaqāt al-Šūfiyyah. 2024;17(10):217-39.
6. Richmond VP, McCroskey JS. Non-Verbal Communication. Tehran: University Publications; 2009.
7. Farhangī AA. Human Communications. Tehran: Rasā; 2023.
8. Pahlavān Nezhād MR. Non-Verbal Communication and Semiotics of Body Movements. Language and Linguistics Journal. 2007;3(6):13-30.
9. Abbāspūr H. Analysis of Concepts and Functions of Non-Verbal Communication in Islamic Texts: A Case Study of Jāmī's Selseleh al-Dhahab Masnavi. Islamic Lifestyle Journal. 2022;6(40):800-11.
10. Ghāsem Zādeh SA. Analysis of Concepts and Function of Non-Verbal Communication in Ferdowsi's Shāhnāme. Persian Language and Literature Bimonthly. 2018;36(84):119-54.
11. Bārān Pūrī. Semiotics of Non-Verbal Communication in Shokri al-Mabkhout's Novel Al-Ṭayyānī. Lisān-e Mobīn Quarterly. 2019;11(38):1-22.
12. Pūrnamdārīān T. Symbol and Symbolic Stories in Persian Literature. Tehran: Sokhan; 2012.
13. Šalībī A. Interpersonal Communications. Beirut: Dār al-Fikr; 1890.
14. Smith A. Dictionary of Non-Verbal Communication. Tehran: Nashr-e Markaz; 2002.
15. Rabiger M. Principles of Communication and Media. Tehran: Sorūsh; 2004.
16. Littlejohn S. Theories of Human Communication. Tehran: Tehran University; 2005.
17. Keltner D. Time and Human Communications. Tehran: Nashr-e Ney; 1997.
18. Shakūrī S, Shokrī Y. Semiotics of Body Language in Nezami's Haft Peykar. Literary Schools Research Journal. 2022;5(16):7-20.
19. Dās Zarrīn J. The Role of Non-Verbal Communication in Shahriar's Persian Ghazals. Scientific-Specialized Quarterly of Lyrical Persian Language and Literature Studies, Islamic Azad University, Najafabad Branch. 2024;14(5):20-38.
20. Gorjīān R. Analysis of Non-Verbal Communication in Makhzan al-Asrār with Emphasis on Pierre Guiraud's Social Semiotics of Etiquette. Social Linguistics Quarterly. 2022;5(New Series, 3, Serial 19):97-110.
21. Ghavīdel F. Study of Non-Verbal Relationships in the Stories of Mashhadi Galin Khanom: Payame Noor University, Gilan Branch, Gilan; 2021.
22. Afrokhreh E, Modarresī F. Non-Verbal Relationships in Shams's Ghazals. Review of Literary Texts in the Iraqi Period. 2020;1(1):1-20.
23. Ṭāherī Far Ṭ. Investigating the Role of Non-Verbal Communication in Characterization of Bozorg Alavi's Fictional Works: Gonbad Kavous University, Gonbad; 2019.
24. Najafī M. Investigation and Analysis of Non-Verbal Communication in Epic Texts: University of Zabol, Zabol; 2018.
25. Ghobādī A, Zāre M. Non-Verbal Communication in Hafez's Poetry; The Role of Non-Verbal Communication in the Interpretation and Acceptance of Hafez by the Audience. Interdisciplinary Studies in Humanities Quarterly. 2015;8(1):119-54.
26. Ja'farī SE. Analysis of Non-Verbal Communication in the Story of Samak-e Ayyar: Shiraz University, Shiraz; 2013.
27. Ja'farī SI. Analysis of Non-Verbal Communication in Tarikh-e Bayhaqi: University of Mazandaran, Mazandaran; 2013.
28. Jamshīdī Z. Analytical Study of Non-Verbal Behaviors in the Fictional Works of Houshang Golshiri: Razi University, Kermanshah; 2012.
29. Āzarī G. Semiotics Research of Non-Verbal Communication Among Classical Cinema Comedians: Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran; 2004.
30. Afrākhteh M. Speaking Coefficient in Literary Texts. Kārnāmeḥ-ye Motūn-e Adabī Quarterly. 2020;1(2):1-20.